



ادبیان روز

مدیریت اسلامی

از منظر قرآن و روایات

مؤلفان:

دکتر زهرا خراسانی

(عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان)

دکتر علیرضا معطوفی

(عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان)

دکتر علی اشرف احمدیان

(دکترای مدیریت بازرگانی از دانشگاه تهران، مدرس دانشگاه)

پیشگفتار

از زمانی که انسان قدم به دنیا نهاد، به‌طور طبیعی به دنبال دانش و تغییر و تحول اداره امور زندگی خود بوده است. مدیریت علم برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و هماهنگی و کنترل فعالیت‌های مختلف جهت رسیدن به هدفی مشخص است. انبیاء و اولیای الهی آمده‌اند تا با هدایت و راهنمایی‌شان، استعداد‌های انسان را شکوفا سازند. انسان را از ظلمات را به‌سوی نور و خوشبختی رهنمون نمایند.

خداوند متعال فرمود:

«إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» (احزاب/ ۷۲)

ما امانت (تعهد، تکلیف، مسئولیت و ولایت الهیه) را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه داشتیم آنها از حمل آن ابا کردند و از آن هراس داشتند، اما انسان آن را بر دوش کشید! او بسیار ظالم و جاهل بود (قدر این مقام عظیم را نشناخت و به خود ستم کرد).

از نگاه قرآن و روایات، دین بدون مدیر و رهبر ناقص است و انسان امین خدا در جهان هستی است. از این رو مطالعه و بررسی مدیریت و مسائل پیرامون آن دارای اهمیت است.

امام علی(ع) در نهج‌البلاغه فرمودند:

درود خدا بر محمد و خاندانش باد! او هم آنچه را که انبیای پیشین برای امت خود گذارده بودند، در میان امت خویش به‌جای گذاشت، کتاب خدا و اوصیای خویش را در میان آنان قرارداد. زیرا آنها هرگز امت خود را مهمل و بی سرپرست رها نساختند و بدون اینکه راهی روشن و دانشی پایدار به آنها بدهند از میان آنان بیرون نرفتند (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹، ج ۱، خطبه ۱: ص ۶۷).

این کتاب با عنوان «مدیریت اسلامی از منظر قرآن و روایات» مشتمل بر سه فصل است. در فصل اول به‌طورکلی شامل دو بخش که در بخش اول به مطالعه و بررسی برنامه‌ریزی و سازماندهی، و در بخش دوم به بیان نظارت و کنترل کارکنان و نقش آن بر اجرای برنامه‌ها و تحقق اهداف سازمانی پرداخته

است. در فصل دوم نیز به مطالعه و بررسی اصول مدیریت اسلامی، و در فصل سوم به بیان اخلاق مدیریتی؛ شامل دو بخش است که در بخش اول به مطالعه نقش ارزش‌های اخلاقی بر مدیریت، و در بخش دوم به بیان لغزش‌های مدیریت پرداخته است. روش پژوهش این کتاب به صورت کتابخانه‌ای و توصیفی و با استناد به آموزه‌های قرآنی و روایی و تحلیل اندیشمندان و مفسران اسلامی، مسائل مربوط به مدیریت اسلامی را مورد مطالعه و بررسی قرار داده است. هدف این پژوهش تبیین و شناسایی مدیریت اسلامی از منظر قرآن و روایات است.

این اثر با بهره‌مندی از آیات قرآن و روایات، و دیدگاه مفسران اسلامی و محققان علوم تربیتی تألیف، و به اساتید و دانشجویان رشته مدیریت؛ واحد درسی مدیریت اسلامی ارائه می‌گردد. با امید به این‌که این نوشتار بتواند در عملکرد صحیح اداره سازمان‌ها و گسترش ارزش‌های اخلاقی در مدیریت جامعه اسلامی مؤثر واقع شود. در پایان از نظرات ارزشمند مدیران، اساتید و دانشجویان در ویرایش جدید این کتاب، استقبال می‌کنیم.

مؤلفان

زهرا خراسانی ، علیرضا معطوفی و علی‌اشرف احمدیان

فهرست مندرجات

صفحات	عنوان
۱۳	فصل اول: کلیات
۱۳	مقدمه
۱۴	مفهوم مدیریت
۱۷	مفهوم سازمان
۱۸	منابع مدیریت اسلامی
۲۱	اهمیت و ضرورت مدیریت اسلامی
۲۳	تفویض به اهل بیت (ع)
۲۴	فرمانبری از اوصیاء
۲۵	اهداف مدیریت اسلامی
۲۷	امتیاز مدیریت اسلامی
۲۸	مقام خلیفه اللهی
۳۱	بخش اول: برنامه ریزی و سازماندهی
۳۲	ضرورت برنامه ریزی
۳۲	هدف های برنامه ریزی
۳۳	انواع برنامه ریزی
۳۳	برنامه های دائمی
۳۴	برنامه های موقت
۳۵	برنامه های مدت دار
۳۵	برنامه های راهبردی
۳۶	برنامه های تاکتیکی
۳۶	برنامه های عملیاتی
۳۶	تصمیم گیری
۳۸	نقش دوراندیشی در تصمیم گیری

۳۸ نقش مشورت و همفکری در تصمیم‌گیری
۳۹ اهمیت مشورت و همفکری
۳۹ حق اظهار نظر دیگران به مدیر
۴۰ مشورت و بهره‌مندی از دانش بزرگان
۴۱ پرهیز از مشورت با بخیل و حریص
۴۱ تأثیر مشورت و همفکری
۴۲ سازماندهی
۴۵ بخش دوم: نظارت و کنترل کارکنان و نقش آن در اجرای برنامه‌ها و تحقق اهداف
۴۵ تعریف کنترل
۴۵ فرآیند کنترل
۴۶ مرحله اول: تعیین معیار و استاندارد
۴۶ مرحله دوم: سنجش و اندازه‌گیری عملکرد
۴۷ مرحله سوم: تشخیص انحرافات احتمالی
۴۷ نقاط کلیدی در کنترل
۴۷ هزینه اجرای کنترل
۴۸ انواع کنترل
۴۸ ۱. کنترل پیشگیر یا پیش‌برنده
۴۸ ۲. کنترل همزمان
۴۸ ۳. کنترل بازخورد یا پس از عمل
۴۸ مشخصه‌های کنترل مؤثر
۴۹ ویژگی‌های کنترل اثر بخش
۵۰ مرحله چهارم: انجام اصلاحات
۵۱ تأثیر نظارت و کنترل کارکنان بر اجرای برنامه‌ها و تحقق اهداف سازمانی
۵۲ نظارت مستقیم
۵۳ نظارت غیرمستقیم

۵۴ خلاصه سخن

۵۷ **فصل دوم: اصول مدیریت اسلامی**

۵۷ مقدمه

۵۸ اصل دین مداری

۵۸ اصل خدا محوری

۶۰ اصل آخرت گرایی

۶۲ اصل وحدت و هماهنگی

۶۵ اصل عدالت محوری

۶۸ اصل هدایت

۶۹ اصل اختیار

۷۲ اصل مسئولیت

۷۳ اصل تفویض اختیار

۷۴ تقسیم مسئولیت ها

۷۷ نظام تشویق

۷۹ انتقاد متقابل

۸۳ فرآیند انگیزش

۸۴ خلاصه سخن

۸۷ **فصل سوم: اخلاق مدیریتی**

۸۷ مقدمه

۹۱ **بخش اول: نقش ارزش های اخلاقی بر مدیریت**

۹۱ نقش ایمان بر رفتارهای فردی و اجتماعی مدیر

۹۳ داشتن روحیه تقوا

۹۳ تقوا و پذیرش و اطاعت از انبیای الهی

۹۴	تقوا و بازدارى از خلاف
۹۴	تقوا و تقويت نيروى معنوى
۹۴	تقوا و نيكوكارى
۹۵	تقوا، پناهگاه امن
۹۵	هدايت مردم بر اساس بصيرت
۱۰۰	هوشمندی و حل اختلاف
۱۰۱	لياقت و شايستگى مدير
۱۰۳	قاطعيّت مدير
۱۰۴	دلآورى و شجاعت مدير
۱۰۵	تعهد مدير
۱۰۶	وفادارى در مقابل پيمان شكنى
۱۰۶	احترام به عهد و پيمان در برابر مردم جهان
۱۰۷	عدم خيانت در عهد و پيمان
۱۰۷	قاطعيّت در عهد و پيمان
۱۰۷	شكيبايى در عهد و پيمان
۱۰۷	رازدارى مدير
۱۰۸	پرهيز از افشاى اسرار ديگران
۱۰۸	رد امانت بطور كامل به اهلش
۱۰۹	دقت در انتخاب منشيان راز نگه دار
۱۰۹	عاقبت انديشى در مديريت
۱۱۰	سعه صدر
۱۱۳	عيب پوشى
۱۱۴	تواضع و فروتنى
۱۱۵	غيرت مندى
۱۱۵	پرهيز از خودمحورى و برترى جويى

۱۱۶	نتایج منفی خود برتربینی
۱۱۷	جاذبه و دافعه مدیر
۱۱۸	انتخاب کارکنان صالح
۱۱۹	آموزش و تقویت مهارت فنی کارکنان
۱۲۱	روابط اثربخش با کارکنان
۱۲۳	قدردانی از تلاش کارکنان
۱۲۴	رسیدگی به نیازهای کارکنان
۱۲۵	پرداخت دستمزد
۱۲۵	نظم و وجدان کاری
۱۲۶	بهره‌مندی از زمان
۱۲۸	بهره‌مندی از انگیزش کارکنان برای کار و تولید
۱۲۸	پایبندی به ضوابط نه روابط
۱۳۰	اجرای عدالت اجتماعی
۱۳۴	استفاده درست از بیت‌المال
۱۳۵	عدالت شریف‌تر از سخاوت
۱۳۶	مدارا با مردم
۱۳۸	همدردی با ضعیفان و بی‌اعتنایی به مستمندان
۱۴۰	ساده زیستی و قناعت
۱۴۰	پرهیز از زرق و برق دنیایی
۱۴۱	قناعت به دارایی خویش
۱۴۲	گشاده رویی با مردم
۱۴۳	خیرخواهی و دلسوزی با مردم
۱۴۵	بخش دوم: لغزش‌های مدیریت
۱۴۵	استفاده نادرست از قدرت ریاست

۱۴۷	استبداد و خودرأیی
۱۴۹	قضاوت نادرست
۱۵۱	بروز نفاق و ضعف روحیه و فقدان شهامت
۱۵۳	پیروی از شیطان و خیانت در امانت
۱۵۳	مخالفت با قانون الهی
۱۵۴	ترش رویی و بی‌اعتنایی با زیردستان
۱۵۵	همکاری با صاحبان قدرت و ثروت
۱۵۶	تجمل‌خواهی و نازپروردگی
۱۵۷	انحصارطلبی
۱۵۸	خلاصه سخن

۱۶۱

منابع (فارسی - لاتین)

فصل اول

کلیات

مقدمه

اندیشه مدیریت از ابتدای خلقت با زندگی مردم عجین بوده است و اولین انسان روی زمین، اولین پیامبر، اولین مدیر نیز محسوب می‌گردد. حضرت آدم از بهشت به زمین هبوط کرد و در فضایی انسانی زندگی خویش و خانواده خود را با استفاده از عقل و تدبیر سازمان‌دهی نمود. خداوند که اولین مدیر و معمار جهان هستی می‌باشد، عنایت خاصی به حضرت آدم (ع) و فرزندان او معطوف داشته است. وقتی فرشتگان به خلقت انسان اعتراض می‌نمایند، خداوند در دفاع از این خلقت شگفت می‌فرماید: «إِنِّي أَكْبَرُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (بقره/۳۰) من از اموری آگاه هستم که شما از آن بی‌اطلاع هستید. بنابراین از دیدگاه جهان‌بینی توحیدی خداوند اولین مدیر و معمار جهان خلقت و مالک زمین و آسمان و تدبیر کننده شب و روز و تغییر دهنده اوضاع و احوال و پروردگار همه جهانیان است. او نقشه هستی را با مدیریت بی‌بدیل خود چنان موزون و متعادل با یکدیگر بوده و با نظم و هماهنگی شگفت‌انگیزی در مدار تعیین شده خود به سوی هدف مشترکی به پیش می‌رود.^۱

اسلام تنها مکتبی است که برخلاف مکاتب مادی و فرهنگ‌های غیرالهی به تناسب هدف والایی که فرا راه پیروان خود قرار داده، به عرضه الگوهای جامع و کامل و روشن نیز اقدام کرده است. الگوهایی که خط آنان صراط مستقیم، هدف آنان قُرب به خداوند و وجود مقدس‌شان بالاترین نمونه انسان کامل و آیینه تمام‌نمای جمال حق می‌باشد. آری الگوهایی که تجلی آیات الهی و منعکس‌کننده و جلوه‌دهنده قرآن یعنی اساسنامه اسلام واقعی است.^۲

۱- مهرداد، حسین؛ رحیمی‌کیا، امین، ۱۳۸۶، مدیریت اسلامی (مفاهیم، اصول، مبانی و کاربردها)، ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم‌آباد: صص ۵۲-۵۱. شگاه آزاد

۲- اسماعیلی یزدی، عباس، ۱۳۸۲، فرهنگ تربیت، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران: ص ۱۱۸.

هدف از تشکیل جامعه، تأمین مصالح مادی و معنوی افراد است که اگر این هدف تحقق یابد، جامعه‌ای صالح به وجود خواهد آمد و کسانی که به تحقق این هدف کمک کنند و در اصلاح جامعه همت گمارند، مصلح خواهند بود. برعکس، اگر جامعه‌ای در تحقق این اهداف اجتماعی ناموفق باشد، به تناسب ناموفقیتش، آن جامعه، دچار فساد است؛ یعنی اگر صددرصد، ناکام و فاقد همه نتایج مطلوب و اهداف جامعه صالح باشد، فاسد مطلق است و اگر در بعضی جهات نارسایی داشته باشد و در رسیدن به بعضی اهداف، ناکام بماند، به همان میزان، دچار فسادهای جزئی است که مانع دستیابی کامل به اهداف جامعه می‌شود.^۱

مدیر در پیکر سازمان مثل مغز در بدن انسان است؛ همان‌طور که مغز در بدن انسان هماهنگ‌کننده ارگان‌های اجرایی بدن است و خود فارغ از هرگونه مسئولیت اجرایی.^۲ مدیران در هر جامعه کارگزاران حکومت‌ها و مجریان برنامه‌های آن‌ها در سازمان‌ها بوده‌اند.^۳

آنچه در بحث مدیریت اسلامی مطرح است حاکم بودن ارزش‌های اسلامی و معیارهای الهی بر مدیریت در کنار بهره‌مندی از چارچوب‌ها و ساختارهای علمی و مدیریتی می‌باشد، یعنی اگر علم مدیریت برای داده‌های خود از احکام، راهکارها و ارزش‌های اسلامی بهره‌مند گردد، به موفقیت حقیقی خود دست خواهد یافت. در واقع به نظر می‌رسد مدیریت اسلامی بر مبنای ارزش‌های الهی اسلام، زمینه‌های تعالی و شکوفایی انسان را فراهم می‌آورد. این امر چه در سطح جامعه، مدیریت و رهبری در جامعه اسلامی و چه در سطح سازمان، مدیریت و رهبری سازمانی مصداق دارد که نمونه آن در تغییر نوع نگاه به انسان‌ها در سازمان، از نگاه منابع به انسان^۴ در کنار دیگر منابع سازمانی، به نگاه سرمایه‌ارزشمندی که با پرورش آن مسببات خلاقیت و نوآوری در سازمان فراهم خواهد شد.

مفهوم مدیریت

از مدیریت، تعاریف و تعبیر متعددی ارائه شده است که با توجه به استنباط و برداشت تعریف‌کننده شکل گرفته است. ولی علیرغم تفاوت‌های موجود کلیه تعاریف از یک یا چند وجه دارای مشترکاتی می‌باشند که از آن جمله می‌توان به نیل به اهداف مشترک، هماهنگی، بسیج منابع و امکانات مادی و انسانی و غیره اشاره کرد.^۵

۱- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۷۸، اخلاق در قرآن، ج ۳، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی: ص ۱۵۸.

۲- افجه‌ای، علی اکبر، ۱۳۹۰، مدیریت اسلامی، تهران: جهاد دانشگاهی، واحد علامه طباطبائی: ص ۶۵.

۳- همان منبع: ص ۱۲.

۴- سرگزی، غلامعلی، ۱۳۹۳، مدیریت از دیدگاه اسلام، شیراز: دومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، چالش‌ها و راهکارها: ص ۱.

۵- بهرامزاده، حسینعلی؛ معطوفی، علیرضا، ۱۳۸۹، اصول سرپرستی، تهران: انتشارات کارور: ص ۲.

ماری پارکر فالت مدیریت را هنر انجام دادن کار به وسیله دیگران تعریف می‌کند. هربرت سایمون مدیریت را تصمیم‌گیری دانسته و پیتر دراگر مدیریت را عملی می‌داند که یک گروه بی‌هدف را به گروهی هدفدار و مؤثر تغییر می‌دهد.^۱ مدیریت فرآیندی اجتماعی و هسته مرکزی سازمان است که وظیفه سازمان دادن به هر نوع فعالیت و اطلاعات و گروه‌های غیررسمی فعال در سازمان می‌باشد.^۲

به عبارتی مدیریت فرآیند برنامه‌ریزی، سازماندهی، رهبری و کنترل تلاش‌های اعضای سازمان و مورد استفاده قرار دادن سایر منابع برای رسیدن به هدف‌های مشخص و اعلام‌شده سازمان است. با توجه به تعریف فوق؛ مدیریت به‌عنوان فرآیند یا فراگرد دانسته شده است و دلالت بر شیوه منظم و سیستماتیک انجام دادن کار دارد و مدیران بدون توجه به میزان مهارت، استعداد یا توانایی‌های خود برای رسیدن به هدف‌های موردنظر به فعالیت‌های پیوسته و منظمی می‌پردازند.^۳

کارکردهای^۴ مدیریت عبارت است از فعالیت‌هایی که جهت رسیدن به اهداف سازمان ضروری می‌باشد. هنری فایول به‌عنوان اولین فردی که به معرفی کارکردهای مدیریت پرداخته است، پنج وظیفه اساسی را برای مدیران معرفی می‌کند:

برنامه‌ریزی،^۵ این کارکرد اشاره به پیش‌بینی آینده و فراهم آوردن امکانات لازم جهت رسیدن به نقطه موردنظر دارد.

سازماندهی،^۶ منظور از این کارکرد فرآیند تنظیم و تخصیص کارها، اختیارات و منابع سازمانی بین اعضاء جهت انجام کارها می‌باشد.

فرماندهی،^۶ یعنی هدایت و رهبری افراد در انجام کارها.

هماهنگی،^۷ منظور به هم مرتبط کردن و وحدت بخشیدن همه کوشش‌ها و فعالیت‌ها می‌باشد.

کنترل،^۸ یعنی نظارت بر انجام کارها و مطابقت آن‌ها با برنامه‌ها و قوانین و مقررات و اصلاح انحرافات احتمالی. در مرحله عمل، فرآیند مدیریت شامل همه کارکردها می‌باشد. به‌عبارت‌دیگر مجموعه این وظایف ارتباط متقابلی با یکدیگر داشته و گاهی لازم است چندین وظیفه به‌طور هم‌زمان اجرا شوند.^۹

۱- همان منبع: ص ۲.

2-Stephen Linstead et al. (1995). Understanding Management, London: Sage publications, P.13.

۳- بهرامزاده؛ معطوفی، ۱۳۸۹: ص ۲.

4- Function

5- Planning

6-Commanding

7- Coordinating

8- Control

۹- رضائیان، علی، ۱۳۸۰، اصول مدیریت، تهران: نشر سمت: ص ۷.

از دیدگاه قرآن و روایات، مدیریت نقشی اساسی را در تغییر و تحولات جامعه برعهده دارد. همان‌طور که پیامبر اکرم (ص) فرمودند: دو صنف هستند که هرگاه صالح باشند، امت صالح خواهند بود و هرگاه فاسد شوند، امت فاسد خواهد شد که این دو صنف علماء و امیران جامعه می‌باشند. بنابراین کسانی که رهبری فکری و مسئولیت اوضاع اجتماعی و اجرایی را برعهده دارند، نقش اول را در فساد یا اصلاح جامعه ایفا می‌کنند.^۱

در حقیقت مدیریت اسلامی عبارتند از کار کردن با مردم، میان مردم، برای مردم، به خاطر خدا.^۲

مدیریت اسلامی یک مقولهٔ مکتبی است و وظیفهٔ مکتب عبارت است از ارائهٔ راه‌حل‌هایی است که با مفهوم عدالت‌خواهی سازگار باشد. حال آنکه مدیریت علمی دانشی است که پدیده‌های مختلف را تفسیر و روابط بین آن‌ها را با یکدیگر تعیین می‌نماید. سیر مطالعاتی برای بحث مکتبی پیرامون مدیریت اسلامی یک سیر اکتشافی است که با روش مطالعهٔ علمی که زیربنا به روبنا حرکت می‌کند و یک سیر تکوینی است باید متفاوت باشد.^۳

از مدیریت اسلامی به شیوه به‌کارگیری منابع انسانی و امکانات مادی، برگرفته از آموزه‌های اسلامی برای نیل به اهداف متأثر از نظام ارزشی اسلام یاد شده است. بر طبق برخی متون اسلامی، نگاهی نزدیک به آنچه امروز علم مدیریت نامیده می‌شود وجود دارد. در حوزهٔ مدیریت کلان و خرد اخباری از پیامبر اسلام و امامان شیعه در دست است. در روایتی از امام اول شیعیان (ع) آمده است: «لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ» (مردم ناگزیرند امیری داشته باشند، چه نیکوکار و چه تباه‌کار) و همچنین از پیامبر اسلام (ص) منقول است: «إِذَا كَانَ ثَلَاثَةٌ فِي سَفَرٍ، فَلْيُؤَمِّرُوا أَحَدَهُمْ» (هنگامی که سه نفر در سفر بودند، باید از یک نفرشان فرمان ببرند).^۴

مسند مدیریت از دیدگاه اسلامی امانتی است که به مدیر سپرده می‌شود و او باید از این مقام که به‌عنوان امانت در دست دارد، شدیداً مراقبت نماید و امانت را بر طبق معیارهایش امانت‌دار باشد.^۵ مدیریت قبل از اینکه ریاست‌مداری باشد خدمتگزاری است و مدیر در این منصب، با تیغ مدیریت در جهت خدمتگزاری اقامهٔ حق و عدل و دفع باطل و ظلم می‌کند.^۶

۱- نقی پور، ولی ا...، ۱۳۸۰، اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن، نشر مرکز آموزش مدیریت دولتی: ص ۲۱.

۲- مهرداد؛ رحیمی کیا، ۱۳۸۶، ص ۴۶.

۳- افجه‌ای، ۱۳۹۰، ص ۱۶۴.

۴- پیروز، علی آقا و دیگران، ۱۳۸۴، مدیریت در اسلام، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم: ص ۴.

۵- تقوی دامغانی، سیدرضا، ۱۳۷۷، نگرشی بر مدیریت اسلامی، تهران: شرکت چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی: ص ۳۶.

۶- همان منبع: ص ۴۱.

از خطبه‌های امام (ع) که هنگام خروج برای جنگ با اهل بصره فرمود ارزش این کفش چقدر است؟!
عبدالله بن عباس می‌گوید:

در منزل «ذی‌قار» بر امیر مؤمنان وارد شدم درحالی‌که مشغول وصله نمودن کفش خود بود! به من فرمود: قیمت این کفش چقدر است؟ گفتم: «بهایبی ندارد!» فرمود: «به خدا سوگند همین کفش بی‌ارزش برایم از حکومت بر شما محبوب‌تر است، مگر اینکه با این حکومت حتی را بیا دارم و یا باطلی را دفع نمایم»^۱
در غرب واژه رهبری و مدیریت را بیشتر اوقات با یکدیگر بکار می‌برند و آنان را از یک مقوله می‌دانند و حال آن‌که رهبری و مدیریت دو اصل جدا از یکدیگرند، به عبارتی رهبری نیازهای معنوی و انسانی یک سازمان را برمی‌آورد ولی مدیریت ابزارهای مادی و تکنیکی افزایش تولید و رفع نیازهای مصرفی انسان‌ها را شامل می‌شود.^۲

در آیه قرآن آمده است:

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» (نساء/۵۸)

خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبان آن برسانید.

هر امانتی صاحبی دارد و هرکس لیاقت و استعداد کار و مقامی را دارد.^۳ سپردن امور به کاردانان و قضاوت عادلانه، از مصادیق عمل صالح و از نشانه‌های ایمان است.^۴

از نامه‌های امام علی (ع) به اشعث بن قیس فرماندار آذربایجان این است:

«فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نیست؛ بلکه امانتی است در گردنت، تو نیز باید مطیع مافوق خود باشی. درباره رعیت حق نداری استبداد به خرج دهی! در مورد بیت‌المال به هیچ کاری جز با احتیاط و اطمینان اقدام مکن! بخشی از اموال خدا در اختیار توست و تو یکی از خزانه‌داران او هستی تا آن را به دست من بسپاری و امید است من رئیس بدی برای تو نباشم.»^۵

مفهوم سازمان

مدیریت وسیله نیل به هدفی است، پس عنصر هدف در مدیریت هر فعالیتی اهمیت دارد و هدف، نتیجه مطلوبی است که رفتار سازمانی در جهت آن هدایت می‌شود. در شرایط و موقعیت‌هایی که

۱- نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ترجمه و شرح محمدجعفر امامی و محمدرضا آشتیانی، قم: مدرسه‌الامام علی بن ابی‌طالب (ع)، ج ۱، خطبه ۳۳، ص ۱۳۱.

۲- افجه‌ای، ۱۳۹۰، ص ۶۰، با اندکی تلخیص.

۳- قرآنی، محسن، ۱۳۸۴، تفسیر نور، ناشر: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ج ۲، ص ۳۱۱.

۴- همان منبع.

۵- نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ج ۳، نامه ۵، ص ۲۱.

مدیریت اعمال می‌شود، همیشه مجموعه‌ای از نتایج مطلوب وجود دارد که مسیر و جهت فعالیت‌ها را معین می‌کند. مدیران، کارکنان سازمان، ارباب‌رجوع، هر یک، نتایج خاصی می‌طلبند. بنابراین، کافی نیست که هدف‌ها فقط مطلوب مدیران سازمان باشند. برای اینکه دیگران نیز در فعالیت‌های سازمان مشارکت کنند، لازم است که تحقق هدف‌های سازمانی، برای آنان نتایج مطلوبی به بار آورد.^۱

از سازمان تعاریف متعددی ارائه شده است که این تفاوت از نگرش افراد نسبت به سازمان حاصل شده است. به‌طور کل سازمان عبارت است از اجتماع دو یا چند نفر که به‌منظور دستیابی به هدف معینی به‌طور آگاهانه با هم همکاری می‌کنند. در تعریفی دیگر سازمان را به‌عنوان سیستمی که پایه شروع هر فعالیتی است، می‌دانند که طی آن داده‌های سازمان شامل مواد اولیه، نیروی انسانی، تکنولوژی، منابع مالی و اطلاعات را به ستاده یا محصول تبدیل می‌کند.^۲

هربرت سایمون سازمان را مجموعه از افراد می‌داند که رفتار و تصمیمات آن‌ها از طریق همکاری با یکدیگر بر حرکت سازمان و رسیدن به اهداف از پیش تعیین‌شده تأثیر می‌گذارد. وی معتقد است سازمان‌ها جهت تحقق هدفی شکل می‌گیرند.^۳ اما در نگاه مدیریت اسلامی، سازمان مجموعه‌ای است مقدس که جزئی از اجزاء یک جامعه توحیدی است و «مدیر» در درون سازمان نماینده‌ای است از برای «امام» جامعه که حرکت کل جامعه را به‌سوی «الله» برعهده دارد.^۴

منابع مدیریت اسلامی

قرآن هادی و راهنمای متقیان است. این قرآن مردم را به آیینی که مستقیم‌ترین و پابرجاترین آیین‌ها است هدایت می‌کند. صاف و مستقیم از نظر عقایدی که عرضه می‌کند، عقایدی روشن، قابل درک خالی از هرگونه ابهام و خرافات، عقایدی که دعوت به عمل دارد، نیروهای انسانی را بسیج می‌کند و میان انسان و قوانین عالم طبیعت هماهنگی برقرار می‌سازد. صاف‌تر و مستقیم‌تر از این نظر که میان ظاهر و باطن، عقیده و عمل، تفکر و برنامه، همگونی ایجاد کرده و همه را به‌سوی «الله» دعوت می‌کند. صاف‌تر و مستقیم‌تر از نظر قوانین اجتماعی و اقتصادی و نظامات سیاسی که بر جامعه انسانی حکم فرما است که هم جنبه‌های معنوی را پرورش می‌دهد و هم از نظر مادی، تکامل آفرین است.^۵

۱- علاقه بند، علی، ۱۳۸۶، مدیریت عمومی، تهران: نشر روان: ص ۶۱.

۲- بهرامزاده معظوفی، ۱۳۸۹، تهران: ص ۵۸.

۳- فحیمی، فرزاد، ۱۳۷۹، سازمان و مدیریت (تئوری‌ها، وظایف و مسئولیت‌ها)، نشر هستان: ص ۲۴۳.

۴- افجه‌ای، ۱۳۹۰: ص ۵۱.

۵- مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه: ج ۱۲: صص ۳۸ و ۳۷، ذیل آیات: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (بقره/۲) «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّذِي هِيَ أَقْوَمُ» (اسراء/۹)

بشریت در قرآن، ارزشمندترین شیوه اداره اجتماع را مشاهده کرده است. بهترین نقشه ایجاد یک تمدن جدید را که می‌تواند همه ملت‌ها و جوامع را از سنگینی بار گمراهی‌ها، بیدادگری‌ها و بدبختی‌ها رها کرده، به زندگانی سرشار از نور علم و معرفت و صلح و صفا رهنمون شود.^۱ مدیریت در جامعه اسلامی مبتنی بر مکتب وحی و دین مبین اسلام است.^۲

پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

پیوسته پیرو کتاب خدا باشید [و برمدار آن بچرخید].^۳

حضرت علی (ع) در نهج البلاغه فرمودند:

«آگاه باشید! این قرآن پنددهنده‌ای است که نمی‌فریبد و هدایت‌کننده‌ای است که گمراه نمی‌سازد، و سخن‌گویی است که هرگز دروغ نمی‌گوید. کسی که با قرآن همنشین نشد، مگر آنکه بر او افزود یا از او کاست، در هدایت او افزود و از کوردلی و گمراهی‌اش کاست. آگاه باشید! کسی با داشتن قرآن نیازی ندارد و بدون آن بی‌نیاز نخواهد بود. پس درمان خود را از قرآن بخواهید، و در سختی‌ها از قرآن یاری بطلبید، که در قرآن، درمان بزرگ‌ترین بیماری‌ها، یعنی کفر و نفاق و سرکشی و گمراهی است. پس به وسیله قرآن از خلق خدا چیزی نخواهید، زیرا وسیله‌ای برای تقرب بندگان به خدا، بهتر از قرآن وجود ندارد. آگاه باشید! که شفاعت قرآن پذیرفته و سخنش تصدیق می‌گردد، آن کس که در قیامت، قرآن شفاعتش کند، بخشوده می‌شود، و آن کس که قرآن از او شکایت کند محکوم است. در روز قیامت ندادنده‌ای بانگ می‌زند آگاه باشید! امروز هر کس گرفتار بذری است که کاشته و عملی است که انجام داده، جز اعمال منطبق با قرآن. پس شما در شمار عمل‌کنندگان به قرآن باشید، از قرآن پیروی کنید، با قرآن خدا را بشناسید و خویشتن را با قرآن اندرز دهید، و رأی و نظر خود را در برابر قرآن متهم کنید و خواسته‌های خود را با قرآن نادرست بشمارید.»^۴

امام سجاد (ع) فرمودند:

بارخدا! بر محمد و آل محمد درود فرست، و ما را از کسانی قرار ده که به ریسمان (یا عهد و پیمان) قرآن چنگ می‌زنند، و از چیزهایی که مانند یکدیگرند و به هم اشتباه می‌شوند (که حق در آنها

۱- کمالی دزفولی، علی، ۱۳۶۹، شناخت قرآن، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ص ۱۶، با اندکی تلخیص.

۲- افجه‌ای، ۱۳۹۰: ص ۱۲.

۳- نهج الفصاحه، ۱۳۸۵، کلمات قصار پیامبر اعظم (ص)، ترجمه علی شیروانی، قم: انتشارات دارالفکر، حدیث ۱۵۷۸: ص ۲۳۸.

۴- نهج البلاغه، ۱۳۸۴، ترجمه محمد دشتی، قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع): خ ۱۲/۱۷۶-۷.

از باطل شناخته نگردد) به پناهگاه محکم و استوارش پناه می‌برند، و در سایهٔ بال (حمایت و نگهداری) آن آرام گیرند، و به روشنی بامدادش راه می‌نمایند، چنانکه به روشنی صبح چیزهای پوشیده به تاریکی شب آشکار می‌شود همچنین از راهنمایی قرآن به حقایق پنهان شده در تاریکی جهل و نادانی دست می‌یابند) و به درخشیدن روشنایی آن اقتدار می‌کنند (از احکام و دستورهای آن پیروی می‌نمایند) و از چراغ آن چراغ می‌افروزند (به وسیلهٔ آن به حقایق و علوم پی می‌برند) و هدایت و رستگاری را در غیر آن (به گمان اینکه حق و درست آن است) نمی‌طلبند (زیرا طلب هدایت در غیر قرآن کفر و گمراهی است، رسول خدا(ص) فرموده: کسی که هدایت را در غیر قرآن بطلبد خداوند او را گمراه گرداند.^۱

قرآن و سنت دو منبع غنی و گسترده‌ای هستند که برنامهٔ زندگی فردی و اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اخلاقی و اقتصادی انسان مسلمان را مشخص کرده‌اند و برای لحظه لحظه‌های زندگی او، از آن هنگام که چشم به جهان می‌گشاید تا وقتی که می‌میرد و حتی پس از مرگ برنامه‌ریزی دقیق کرده‌اند.^۲

خداوند متعال فرمود:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء/۵۹)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا و صاحبان امر را.

دانشمند قرائتی در بیان آیه می‌گوید: مردم باید نظام اسلامی را بپذیرند و از رهبران الهی آن در قول و عمل پشتیبانی کنند. اسلام مکتبی است که عقاید و سیاستش بهم آمیخته است. اطاعت از رسول و اولی الامر که امری سیاسی است، به ایمان به خدا و قیامت که امری اعتقادی است، آمیخته است. سلسله مراتب در اطاعت باید حفظ شود. اولی الامر باید همچون پیامبر معصوم باشند، تا اطاعت از آنها در ردیف اطاعت پیامبر، بی چون و چرا باشد. اطاعت از حاکمی واجب است که مؤمن و از خود مردم بایمان باشد. نام اولی الامر در کنار نام خدا و رسول، همراه با اطاعت مطلق، نشان آن است که مسئول حکومت و نظام اسلامی باید از قداست والایی برخوردار باشد.^۳ نشانهٔ ایمان واقعی، مراجعه به خدا و رسول، هنگام تنازع و بالا گرفتن درگیری‌هاست و اطاعت در شرایط عادی کار مهمی نیست. یکی از وظایف حکومت اسلامی ایجاد وحدت و حل تنازعات است.^۴

۱- صحیفه سجاده، ترجمه و شرح علینقی فیض الاسلام، ۱۳۷۷، تهران: دارالکتب الاسلامیه، دعای ۴۲، فراز ۷: ص ۲۶۷.

۲- تقوی، ۱۳۷۷: ص ۸۱

۳- تفسیر نور، ۱۳۸۴، ج ۲: ص ۳۱۳.

۴- همان منبع: ص ۳۱۴.